

Evaluation of the interpretational narrations of verse 114 of Taha by theologians, with an emphasis on Seyyed Morteza's point of view

Seyed Mahmoud Teyeb Hoseini^{a*}

^a Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran

KEYWORDS

Verse 114 of Taha, Don't hurry with the Quran, Prophet's worry about forgetting the Quran, Prophet's succession, Prophet's haste in reciting revelation

Received: 18 August 2024

Accepted: 19 September 2024

Article type: Research Paper

DOI: 10.22034/thr.2024.2038998.1058

ABSTRACT

One of the controversial verses of the Holy Qur'an is verse 114 of Taha, which forbids the Prophet from rushing to the Qur'an before its revelation ends: "And do not hasten with the Qur'an before the revelation comes to you." Despite the famous opinion and although most of the commentators have considered the meaning of this verse to be the Prophet's prohibition to rush in reciting the Qur'an together with Gabriel, and before the revelation of the verses, four other views have been expressed about this verse. Through this descriptive-analytical study, the views of the commentators and the famous view in the interpretation of the verse were discussed, and finally, Seyyed Morteza's point of view in the interpretation of the verse was reinforced and completed, given its alignment with the context of Surah Taha and its harmony with the main purpose of this Surah. According to Seyyed Morteza's view, the verse prevented the Prophet from requesting the revelation of verses from the Qur'an before the divine expediency required its revelation. Regarding the Qur'an which was requested by the Prophet, the opinion has been strengthened that its subject was related to the issue of the Prophet's succession.

* Corresponding author.

E-mail address: tayebhrihu.ac.ir

©Author





ارزیابی روایات تفسیری آیه ۱۱۴ طه توسط متکلمان، با تأکید بر دیدگاه سید مرتضی

سید محمود طیب حسینی الف*

الف استاد، گروه قرآن و حدیث، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران، tayebehrihu.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
آیه ۱۱۴ طه، لاتعجل بالقرآن، نگرانی پیامبر از فراموشی قرآن، جانشینی پیامبر، عجله پیامبر در قرائت وحی	یکی از آیات بحث برانگیز قرآن کریم، آیه ۱۱۴ طه است که پیامبر را از عجله به قرآن، پیش از پلیمان یافتن وحی آن نهی کرده است: «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ». اگرچه دیدگاه مشهور و بیشتر مفسران مقصود آیه شریفه را نهی پیامبر از عجله در قرائت قرآن همراه با جبرئیل، و پیش از فراغت وی از نزول آیات وحی دانسته‌اند، اما در باره این آیه چهار دیدگاه دیگر نیز مطرح شده است. در این مقاله با روش تحلیل و توصیف به ارزیابی دیدگاه‌های مفسران و دیدگاه مشهور در تفسیر آیه شریفه پرداخته شده، و در نهایت دیدگاه سید مرتضی در تفسیر آیه یادشده، با توجه به همسویی آن با سیاق سوره طه و هماهنگی آن با غرض اصلی این سوره، تقویت و تکمیل شده است. مطابق دیدگاه سید مرتضی، آیه شریفه پیامبر را از درخواست نزول آیاتی از قرآن، پیش از آنکه مصلحت الهی نزول آن را اقتضا کند، بازداشته است. در باره قرآن مورد درخواست پیامبر، این نظر تقویت شده که موضوع آن ناظر به مسأله جانشینی پیامبر بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۹

مقاله علمی پژوهشی

۱. مقدمه

یکی از آیات بحث برانگیز قرآن آیه ۱۱۴ سوره طه است: «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ» مفسران در تفسیر این آیه شریفه و مقصود از تعجیل نکردن در دریافت قرآن و به پایان رسیدن وحی قرآن، دیدگاه‌های متفاوتی بیان کرده‌اند. دیدگاه غالب در میان مفسران متأخر - از قرن ششم تا دوره معاصر - آیه شریفه را همراستا با آیات سوره قیامت دانسته و مقصود از آن را بازداشتن پیامبر از عجله در دریافت وحی و پیش‌خوانی یا همخوانی آن حضرت با جبرئیل در هنگام وحی آیات قرآن دانسته‌اند: «لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ» [به هنگام دریافت وحی] زبانت را به [قرائت فوری] آن مگشای تا برای [فراگیری] آن شتاب کنی، که تنظیم و خواندنش بر عهده ماست، و چون آن را قرائت کردیم، قرائتش را پی گیر، آن گاه شرح و بیان آن هم بر عهده ماست. (قیامت: ۱۶-۱۹) مبتنی بر این برداشت از آیه شریفه، برخی مفسران این آیه را شاهد و مؤیدی بر دو نزول (دفعی و تدریجی) قرآن دانسته‌اند. (نک: ادامه مقاله، ذیل دیدگاه چهارم)

با این حال برخی از مفسران قرن ششم به معنای روشن و اطمینان بخشی از آیه شریفه دست نیافته و علم آن را به خدا

واگذار کرده‌اند (مثلاً نک: ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۶۶). با توجه به اینکه خداوند در هشتمین سوره قرآن در ترتیب نزول (سوره اعلی) از خوانا کردن پیامبر بر قرائت قرآن به گونه‌ای که آن را فراموش نکند خبر داده: «سَتَقْرَأُكَ فَلَا تَنْسَى» (اعلی: ۶)، و در سی و یکمین سوره قرآن از نظر نزول (سوره قیامت) نیز پیامبر را از عجله در قرائت قرآن نهی کرده است طبق خوانش مشهور، این سؤال پیش می‌آید که چرا خداوند دوباره باید پیامبر را از عجله در قرائت قرآن بازدارد؟ طرح این سؤال ارزیابی دیدگاه مفسران در تفسیر آیه شریفه و بازتفسیر آن را موجب گردید. بنابر این تحقیق حاضر با روش تحلیل و توصیف و تحلیل محتوای کیفی در صدد پاسخ به این سؤال است که مقصود از عجله پیامبر در دریافت قرآن، قبل از آنکه وحی آن به پایان رسد چه بوده است که خداوند در آیه ۱۱۴ طه پیامبر را از آن بازداشته است؟

پیشینه. در باره تفسیر آیه شریفه ۱۱۴ طه و مقصود از عبارت «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ» هم مفسران ذیل آیه شریفه به تفسیر آن پرداخته‌اند و هم عده ای از قرآن پژوهان در کتابهای علوم قرآنی ذیل مبحث نزول قرآن در باره آن بحث کرده‌اند، اما با جستجویی که انجام گرفت تحقیق مستقلی در باره این آیه شریفه و ارزیابی دیدگاههای مطرح در باره آن، یافت نشد.

دیدگاههای مفسران در تفسیر آیه شریفه

از دیرباز و از عصر صحابه بیان مقصود آیه شریفه مورد توجه و بحث مفسران بوده و دیدگاههای مختلفی در تفسیر آن بیان شده است که مجموع آن به پنج دیدگاه می‌رسد:

۱. نهی از عجله پیامبر در قرائت قرآن برای مردم پیش از نزول بیان معانی آنها.

از ابن عباس به طرق مختلف نقل شده که در این آیه شریفه، پیامبر (ص) از عجله در قرائت قرآن، پیش از آمدن بیان آن از جانب خدا، نهی شده است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۱۶۰). یعنی بعد از نزول قرآن، پیامبر باید منتظر بیان آیات نازل شده از جانب خداوند می‌ماند و پس از دریافت بیان و توضیح آیات، آیات نازل شده را بر اصحاب خود تلاوت کرده و معنای آنها را نیز توضیح می‌داد. در روایت دیگری، که عوفی از ابن عباس نقل کرده پیامبر (ص) صریحاً از قرائت و املاء آیات نازل شده بر اصحابش، پیش از نزول بیان آنها از جانب خداوند، نهی شده است. (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۲۶۲) همین دیدگاه از مجاهد (د ۱۰۴ق) مفسر معروف تابعی، قتاده (د ۱۱۸ق) و عطیه (د ۱۱۱ق) نیز نقل شده است: (طبری، همانجا؛ ثعلبی، همانجا؛ تیمی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۲۸۲؛ ماوردی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۲۹؛ صنعانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۰، ص ۲۵۰). طبری (د ۳۱۰ق) و بسیاری از مفسران سده‌های بعد نیز همین دیدگاه را ترجیح داده‌اند.

فخر رازی (د ۶۰۶ق) علاوه بر نقل دیدگاههای مفسران متقدم و نقد برخی از آنها، چند خرده دیدگاه دیگر نیز مرتبط با دیدگاه یاد شده نقل کرده و از مجموع سخنان وی به نظر می‌رسد وی به همین دیدگاه متمایل تر است. وی می‌نویسد: احتمال دارد که منظور از نهی، این باشد که: ۱. خودت در قرائت قرآن عجله نکن، ۲. یا در ادای آن برای دیگری عجله نکن، ۳. یا در اعتقاد به ظاهر آن عجله نکن، ۴. یا در شناساندن مقتضای ظاهر قرآن به دیگری عجله نکن. همچنین وی در باره عبارت «مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ» و به طور خاص معنای «وَحْيُهُ» در این بخش آیه، دو احتمال مطرح کرده است: ۱. قبل از آن که قرائت قرآن بر تو تمام شده باشد، ۲. قبل از آن که بیان آن برای تو پایان یابد؛ زیرا هم قرائت آیات و هم بیان آنها باید تنها از طریق وحی برای پیامبر حاصل شود، و واضح است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از قرائت آن

نهی نشده برای آن که آن را حفظ کند و آن را ادا نماید. پس مقصود در اینجا این است که آن را برای خود و دیگری تلاوت نکن تا این که پایان وحی یا بیان آن یا هر دو باهم مشخص شود. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ج ۱۰۴)

• ارزیابی

چنانکه اشاره شد علاوه بر ابن عباس، مجاهد، قتاده و عطیه، بسیاری از مفسران از جمله طبری این دیدگاه را در تفسیر آیه شریفه ترجیح داده اند که خداوند پیامبر را از عجله در قرائت قرآن بر اصحابش باز داشته است. ابن عطیه این نهی را ناظر به املائی آیات شریفه بر اصحاب و دستور به کتابت فوری آیات شریفه (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۶۶)، و بعضی از مفسران آن را ناظر به هر دو امر قرائت برای اصحاب و املائی بر آنها دانسته اند. (نک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۲۱۵؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۱۸۹) علامه طباطبائی در نقد این دیدگاه نوشته است که این خوانش از آیه شریفه با الفاظ آیه سازگار نمی باشد. (طباطبائی، همانجا) اما چالش مهم تر این دیدگاه از نظر سید مرتضی این است که اولاً تأخیر بیان معانی آیات شریفه از قرائت و تلاوت آنها هیچگونه محذوریت و قبحی ندارد، و آنچه ممنوع و قبیح است تأخیر بیان از وقت حاجت و نیاز است، بنابراین عقلاً هیچ گونه مشکلی در قرائت آیات شریفه توسط پیامبر برای مردم قبل از نزول بیان آنها وجود ندارد، از این رو معنا ندارد که خدای متعال در این آیه شریفه پیامبرش را از قرائت و تلاوت آیات قرآن بر اصحاب نهی کرده باشد، قبل از آنکه معانی و مقاصد آیات را بر پیامبر نازل کرده باشد، ثانیاً، با فرض جواز تفکیک نزول قرآن از نزول بیان آن (که البته امری نامعقول به نظر می رسد)، همانگونه که جایز است خداوند بر پیامبرش قرآن را در یک مرتبه و بیان آن را با تأخیر در مرتبه دیگر نازل کند، بر پیامبر نیز باید جایز باشد در یک نوبت آیات نازل شده وحی را بر مردم قرائت کند و در مرتبه ای دیگر، بعد از نزول بیان آنها، آیات شریفه را برای اصحاب تبیین کند. در نتیجه معنا ندارد، نهی از تعجیل قرآن، نهی از قرائت و املائی آن بر اصحاب، قبل از نزول بیان معانی آنها باشد. (علم الهدی، ۱۴۳۱، ج ۳، ص ۹۳) این پاسخ با فرض آن است که بیان معانی آیات شریفه نیازمند نزول جداگانه داشته و فرشته وحی یک مرتبه الفاظ قرآن را و مرتبه دیگر معانی آنها را نازل می کرده است، اما در صورتی که نزول معانی قرآن بر قلب پیامبر همراه با نزول الفاظ آیات صورت می گرفته است، این دیدگاه از اساس با چالش مواجه بوده و خوانشی نادرست از آیه شریفه است.

۲. نهی پیامبر از عجله در اجرای حکم قصاص زنان نسبت به مردان.

دیدگاه دیگر در تفسیر آیه شریفه، روایتی از حسن بصری (د ۱۱۰ ق) نقل شده است که: مردی زن خود را سیلی زد، زن نزد پیامبر (ص) آمده قصاص طلبید؛ حضرت خواست حکم به قصاص آن مرد دهد، که این آیه نازل شد و پیامبر را از عجله در حکم قصاص نهی کرد، و ایشان هم از اجرای حکم دست نگه داشت تا آیه "الرجال قوامون على النساء" نازل شد (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۴۱۳؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۶۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۰۹)

• ارزیابی دیدگاه دوم

این دیدگاه از حسن بصری که مقصود از آیه شریفه را نهی پیامبر (ص) از عجله در اجرای حکم قصاص زنی نسبت به شوهرش دانسته، از میان دیدگاههای نقل شده ضعیف ترین دیدگاه به نظر می رسد. احتمالاً این دیدگاه یک برداشت آزاد از آیه شریفه است که علاوه بر این که با سیاق آیه و سوره طه سازگاری ندارد، موضوع و مضمون آیه شریفه نیز بیگانه از مفاد روایت است (نک: طباطبائی، همانجا)، افزون بر این، قاعدتاً حادثه یادشده باید در مدینه اتفاق افتاده باشد؛ زیرا اجرای حدود و احکام الهی در مدینه بوده است و در مکه مجالی برای ارجاع مسائل اختلافات خانوادگی به پیامبر و تشریع و اجرای احکام آن توسط رسول نبوده است، در حالی که سوره طه در مکه نازل شده است و آیه ۱۱۴ نیز با سیاق

آیات قبل هماهنگ است لذا باید در مکه نازل شده باشد. در منابع علوم قرآنی نیز این آیه سوره طه از آیات استثنائی نازل شده در مدینه معرفی نشده است. (نک: سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۷۵-۷۶؛ معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۹۸). فخررازی نیز این خوانش را بعید و غیرقابل اعتماد شمرده است. (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۱۰۵)

۳. نهی از عجله در بیان تهدیدهای قرآن قبل از فرارسیدن زمانش.

دیدگاه دیگری از ماتریدی (د۳۳۳ق) پایه گذار مکتب ماتریدی، نقل شده است. وی پس از نقل دیدگاههای گذشته احتمال می دهد که آیه شریفه در صدد نهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ذکر تهدیدها و اندازهای قرآن قبل از فرارسیدن وقتش، باشد. وی برای تأیید سخن خود، آیه ۸۴ سوره مریم را که می فرماید: «فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَذَابًا» در مورد [مجازات] آنان شتاب مکن، که حسابشان را دقیقاً نگاه می داریم»، شاهد آورده است. (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۷، ص ۳۱۴)

. ارزیابی دیدگاه سوم

به نظر این دیدگاه از ماتریدی معنا، مبنا و دلیل روشن و قابل قبولی ندارد، جز اینکه یک حدس است، و احتمالاً تردید ماتریدی در صحت دیدگاه مشهور از یک سو، و شباهت تعبیر «لا تعجل» در آیه ۱۱۴ طه با ۸۴ سوره مریم، او را به ارائه این تفسیر جدید واداشته است و او با ارجاع نامتناسب «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ» به آیه «فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَذَابًا»، نهی از تعجیل پیامبر نسبت به قرآن را ناظر به بیان وعیدها و هشدارهای الهی مطرح در آیه سوره مریم دانسته است. ماتریدی بعد از ارائه دیدگاه خود به عنوان یک احتمال در تفسیر آیه شریفه، به دیدگاه مشهور نیز اشاره کرده و با اظهار تردید در آن چنین می نویسد: دیدگاه اهل تأویل در تفسیر آیه شریفه مبنی بر عجله رسول خدا (ص) در قرائت قرآن به هنگام نزول وحی توسط جبرئیل و قبل از اتمام قرائت وحی توسط وی نیز می تواند در تفسیر آیه شریفه صحیح باشد، مشروط بر آنکه عجله پیامبر در قرائت وحی ثابت باشد. می توان هم گفت بدون آنکه رسول - خدا (ص) به قرائت آیات وحی همراه با جبرئیل عجله کرده باشد، خداوند وی را از این عجله نهی کرده است. (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۷، ص ۳۱۴). مشاهده می شود که برای ماتریدی پذیرفته نبوده رسول خدا (ص) هنگام دریافت وحی از جبرئیل، در قرائت آن عجله می کرده و پیش از دریافت وحی و یا همراه با جبرئیل به قرائت آیات وحی مبادرت می کرده است.

۴. نهی پیامبر از عجله در قرائت قرآن همراه با جبرئیل در هنگام نزول آیات.

کهن ترین و در عین حال مشهورترین دیدگاه در تفسیر آیه شریفه دیدگاهی از ابن عباس (د ۶۸ ق) است که می گوید: آیه شریفه، پیامبر را از عجله در تلاوت قرآن همزمان و همراه با نزول جبرئیل، پیش از آن که جبرئیل ابلاغ وحی را - در هر نوبت نزول وحی - به پایان برساند، نهی کرده است، چون معمولاً هنگام نزول وحی و قرائت آیات توسط جبرئیل بر پیامبر (ص)، آن حضرت به قرائت قرآن جلوتر از جبرئیل یا همراه با وی مبادرت و در تلاوت آن عجله می کرد؛ بنابر این مقصود آیه این است که هنگامی که جبرئیل قرآنی را بر پیامبر نازل می کند، آن حضرت صبر کند تا نزول وحی به پایان رسد و از خواندن قرآن همراه با فرشته وحی یا جلوتر از وی خودداری کند، و پس از پایان یافتن نزول قرآن، به خواندن بپردازد. (دینوری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۱۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۲). این تفسیر از مقاتل (د ۱۵۰ ق) نیز نقل شده (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۳، ۴۳) و حسن بصری (د ۱۱۰ ق) دیگر مفسر تابعی نیز آن را با این عبارت بیان کرده است: زمانی که وحی بر پیامبر نازل می شد از ترس فراموش کردن، به قرائت قرآن عجله می کرد، لذا پیامبر (ص) از عجله در تلاوت قرآن،

قبل از فارغ شدن جبرئیل از ابلاغ آن، نهی شده است (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۴، ص ۲۶۵؛ طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۳؛ طبرسی، همان) بدین ترتیب در نظر حسن بصری عبارت «از ترس فراموش کردن» نیز به آن افزوده شد، در حالی که این عبارت در روایت ابن عباس و مقاتل دیده نمی شود.

بسیاری از مفسران دوره های بعد از جمله فراء نحوی (د ۲۰۷ق) و ابن قتیبه دینوری (د ۲۷۶ق) همین دیدگاه حسن بصری را در تفسیر آیه شریفه نقل و برخی آن را ترجیح داده اند. (فراء، ۱۹۸۰، ج ۲، ص ۱۹۳؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۱، ص ۲۴۰) مفسران میانی، از قرن پنجم تا دوره معاصر نیز، به نقل این دیدگاه و دیدگاه نخست اکتفا کرده، و در برخی تفاسیر دیدگاه سوم نیز نقل شده است. (مثلاً نک: ماوردی، بی تا، ج ۳، ص ۴۲۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۵۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۹۰؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۶۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۴۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱، ص ۲۵۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۲۸۱؛ کاشانی، ۱۴۲۳؛ ج ۴، ص ۲۷۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۵۷۷).

مفسران معاصر نیز اکثر نزدیک به همه آنها به همین دیدگاه چهارم گرایش یافته و آیه شریفه را به نهی پیامبر از عجله در قرائت قرآن، پیش از فارغ شدن جبرئیل از نزول و القای وحی بر آن حضرت، تفسیر کرده و آن را همسو با آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت دیده اند. (برای نمونه نک: قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۷، ص ۱۴۹؛ قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۳۵۳؛ دروزه، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۱۰ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۲۱۵؛ فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۱۵۹؛ نیز نک: شبر، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۷۵؛ شوکانی، ۱۲۵۰، ج ۳، ص ۴۵۹)

علامه طباطبائی افزون بر ترجیح این دیدگاه، آیه طه و آیات سوره قیامت را شاهد و تأییدی بر صحت دوبار نزول دفعی و تدریجی قرآن کریم دانسته است؛ زیرا عجله پیامبر در قرائت آیات وحی همراه با جبرئیل، یا حتی اندکی جلوتر از وی نشان دهنده این است که پیامبر از مضمون آیات شریفه آگاهی داشته است، در غیر این صورت معنا نداشت آیات شریفه پیامبر را از عجله در قرائت قرآن بازدارد. (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۲۱۵؛ نیز نک: شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۱، ج ۸، ص ۳۳۳؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۹، ص ۲۰۱؛ همو، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۷۰) بدین ترتیب علامه طباطبائی ضمن این که این آیه شریفه را دلیل بر نظر خود در نزول دفعی و یکباره قرآن در شب قدر بر قلب پیامبر، گرفته است، به طور ضمنی این نظر حسن بصری را، که علت عجله رسول خدا (ص) به تلاوت آیات وحی همراه با جبرئیل، به جهت ترس از فراموشی آیات بوده، رد می کند، چرا که مبتنی بر تحلیل علامه سبب عجله رسول خدا (ص) به قرائت آیات وحی توسط جبرئیل، آگاهی پیشین آن حضرت از آیات وحی بوده است.

ارزیابی دیدگاه مشهور

این دیدگاه مشهور نیز با چالشهای جدی روبرو است. این دیدگاه ابتدا از ابن عباس نقل شده، و حسن بصری علت عجله پیامبر به قرائت آیات را نگرانی (مخافة) پیامبر از فراموشی آیات دانسته است، اما در تفاسیر متأخر «اشتقاق رسول - خدا (ص) به حفظ آیات» به «ترس رسول خدا (ص) از فراموشی آیات» هم افزوده شده، گویا نامقبولی خوف و نگرانی پیامبر در حفظ آیات، مفسران متأخر (قرن ششم به بعد) را واداشته که اشتقاق شدید پیامبر به حفظ آیات (حرصه علی حفظ القرآن) (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱، ص ۲۵۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۲۶۱) و اشتقاق شدید به صلاح و نجات امت (ابن عاشور، ج ۱۶، ص ۱۸۹) را نیز به خوف و نگرانی پیامبر بیافزایند. علامه طباطبائی نیز گرچه همین دیدگاه مشهور را همسو و احتمالاً متأثر از تفسیر قمی (نک: قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۵؛ و مقایسه کنید با: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۲۱۶)، در تفسیر آیه شریفه ترجیح داده، اما در نقد بیان علت عجله پیامبر، سخن حسن بصری مبنی بر ترس از فراموشی

آیات قرآن، را ناسازگار با عصمت پیامبر معرفی کرده است (طباطبایی، همانجا). این اشکال علامه بر حسن بصری به نظر وارد نیست، زیرا حسن بصری نگرانی پیامبر از فراموشی را - که یک حالت روانی است - علت مبادرت و عجله پیامبر شمرده است نه فراموشی آیات تا ناسازگار با عصمت باشد.

پیشتر اشاره شد که ماتریدی به درستی در صحت و قابل اثبات بودن این دیدگاه مشهور - یعنی اینکه اساسا پیامبر هنگام دریافت آیات وحی، همزمان با جبرئیل شروع به قرائت قرآن می کرده - تردید کرده است. چه اینکه این عجله پیامبر در قرائت آیات وحی همراه با جبرئیل هرگز برای اصحاب آن حضرت قابل مشاهده نبوده و در هیچ روایتی این خبر از روی مشاهده نقل نشده است، بنابراین، تنها یک حدس فاقد مبنا و دلیل است. شگفت انگیزتر در این باره آن است که خداوند ابتدا در سوره اعلیٰ (آیه: ۶) که هشتمین سوره در ترتیب نزول است، خداوند به پیامبرش اطمینان خاطر داده که آیات نازل شده وحی را چنان به حافظه اش می سپرد و بر قلب و زبانش گویا می سازد که هرگز فراموش نخواهد کرد: «سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى». (نک: فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۱، ص ۱۳۰) و این اطمینان خدای تعالی در نفس پیامبر آرامشی ایجاد می کند که هرگز خوف فراموشی به آن راه نمی یابد و بر آن غلبه نمی کند. با این حال مایه شگفتی است که مفسران در تفسیر آیات ۱۶ - ۱۹ قیامت و ۱۱۴ طه از نگرانی پیامبر نسبت به فراموشی آیات وحی سخن گفته اند. از همان آغاز نزول وحی خداوند شرح صدری به پیامبرش بخشیده که هرگز نه آیه ای را فراموش کرده و نه از نظر روحی و روانی نگرانی فراموشی آیات شریفه به او راه یافته است. و با فرض وجود نگرانی در پیامبر نسبت به فراموشی آیات - که البته قابل اثبات نیست - این نگرانی بعد از نزول آیه سوره اعلیٰ برای همیشه از قلب و ذهن و زبان رسول خدا (ص) رخت بر بسته است و دیگر جایی برای این باقی نمی ماند که دوباره خداوند بخواد دو مرتبه در دو سوره متفاوت قیامت و طه پیامبر را از نگرانی فراموشی و عجله در قرائت قرآن بازدارد. حتی اگر احتمال ضعیفی داده شود که بعد از نزول سوره اعلیٰ هم بقایایی از نگرانی نسبت به فراموشی آیات نازل شده، پیامبر را به عجله در قرائت آیات وامی داشته، با نزول آیات ۱۶ - ۱۹ سوره قیامت، که از نظر نزول در رتبه سی و یکم قرار دارد (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۱۲ - ۶۱۳؛ زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۸۰)، خداوند هرگونه نگرانی آن حضرت را در این باره برطرف کرده است، در نتیجه معنا ندارد که برای مرتبه سوم این ماجرا در سوره طه تکرار شود. شاهد این تحلیل آن است که به تجربه ثابت شده افرادی در خواب، آیه ای از قرآن را از یکی از اولیا می شنود، و پس از آن در زندگی از شرح صدری وصف ناپذیر برخوردار و به موفقیت های بی نظیری نائل می شوند، یا فردی در خواب از شاعری معروف قطعه شعری می شنود و پس از آن، برخوردار از ملکه شعر می گردد و به آسانی شعر می سراید، یا ولیی از اولیای الهی در بیداری آیه ای از قرآن به فردی فاقد سواد خواندن و نوشتن مثل کربلایی کاظم تلقین می کند و او ناگهان به یک باره حافظ کل قرآن می شود چنانکه تا سنین پیری نیز در عین ناتوانی در خواندن و نوشتن، آیات قرآن را از حفظ می خواند و هرگز کلمه ای را فراموش نمی کند و حتی قادر است آیات هر سوره را از انتها به ابتدا قرائت کند. حال چگونه است که خدای هستی بخش و فرمانروای حقیقی عالم آیه «سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى» بر قلب پیامبرش القا می کند و در گوش جاننش می خواند، اما در سراسر وجود پیامبر آرامش نپراکند و همچنان آن حضرت نگران فراموش کردن آیاتی باشد که توسط جبرئیل بر قلبش - و نه بر گوشش - نازل و وارد می شود؟!!

اشکال دیگر این دیدگاه آن است که کیفیت وحی بر پیامبر را چنین به ذهن مخاطب القا می کند، که جبرئیل در هنگام نزول قرآن بر پیامبر، همانند تکلم انسانی آیات وحی را با صدا بر پیامبر قرائت می کرده و پیامبر آیات شریفه را با

گوش خود دریافت می کرده است و به دلیل نگرانش از فراموشی آیات که با گوش می شنیده، همراه با جبرئیل یا اندکی پس از وی در حالی که جبرئیل کلمات بعدی را تلفظ می کرده، پیامبر هم کلمات قبلی آیات را قرائت می کرده است. حال آنکه چنین تلقی ای از نزول و دریافت وحی نه تنها هیچ شاهی ندارد، بلکه دلایل موجود شاهد نادرستی این تلقی است. زیرا مطابق آیات ۱۹۲ تا ۱۹۵ سوره شعراء خداوند با واسطه روح القدس (جبرئیل) قرآن را از عالم غیب بر قلب پیامبر نازل کرده است تا پیامبر با آن مردم را بیم دهد، و هنگامی که قرآن بر قلب پیامبر - نه بر گوش آن حضرت - نازل شود، قرآن نازل شده بر قلب پیامبر قابل فراموشی و محو شدن نیست و پیامبر هم هرگز دچار نگرانی نسبت به فراموشی آن نخواهد شد تا در هنگام دریافت آیات وحی از جبرئیل به خواندن آن عجله کند.

• ارزیابی تقریر علامه طباطبایی از دیدگاه نخست

چنانکه اشاره شد، در تقریر علامه طباطبایی از دیدگاه نخست، مبادرت پیامبر (ص) به عجله در قرائت قرآن، هنگام وحی و همراهی با جبرئیل، ناشی از خوف فراموشی نبوده است، بلکه نشانه این بوده که قرآن مجید پیش تر به صورت دفعی بر قلب آن حضرت نازل شده بوده و آن حضرت به مفاد و مضمون وحی آگاهی داشته است، از این رو اشکالات فوق بر تقریر علامه از دیدگاه نخست و مشهور وارد به نظر نمی رسد، زیرا ممکن است پیامبر از روی اشتیاق، به قرائت آیات همراه با جبرئیل مبادرت می کرده است. اما این دیدگاه نیز با دو اشکال مواجه است: نخست آنکه برخی محققان نزول دفعی قرآن را - آنگونه که علامه طباطبایی بیان کرده اند - توجیه ناپذیر و نامقبول معرفی کرده اند (نک: معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ۱۵۵ - ۱۵۶ و ج ۹، ص ۳۹) بنابر این از نظر منکران نزول دفعی قرآن تقریر علامه موجه نیست. ثانیاً بیان علامه - طباطبایی در نزول دفعی قرآن این است که قرآن مجید دارای دو مرتبه احکام و تفصیل است. مقصود از مرتبه احکام قرآن همان حقیقت سربسته و غرض قرآن است که در لوح محفوظ بوده و آن حقیقت در شب قدر به طور دفعی بر قلب پیامبر نازل شده است، و مقصود از مرتبه تفصیل قرآن، همین قرآن دارای آیات و سوره ها و بخشهای مختلفی است که به لفظ در آمده و قابل مشاهده است و به تدریج بر قلب پیامبر نازل شده است. (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۷ - ۱۸) بنابر این دیدگاه، آن چه رسول خدا (ص) در نزول دفعی قرآن دریافت کرده، حقیقت سربسته و به تفصیل در نیامده قرآن است، نه قرآن به تفصیل درآمده دارای اجزا و بخشها و آیات بسط یافته، در نتیجه آگاهی از این حقیقت سربسته قرآن، مستلزم آن نیست که هنگام نزول وحی توسط جبرئیل بر پیامبر، آن حضرت به این قرآن تفصیل داده شده برخوردار از آیات آگاه بوده باشد تا قادر باشد پیش از جبرئیل یا همراه با وی به قرائت آن مبادرت کند. علاوه بر این، با فرض این که رسول - خدا (ص) با نزول دفعی، از مضامین آیات مطلع بوده و از روی اشتیاق همراه با جبرئیل یا قبل از وی در قرائت آیات عجله می کرده، این عجله پیامبر جای تشویق دارد و مسأله مهمی نیست که خداوند در این آیه و نیز آیات سوره قیامت آن حضرت را از آن نهی کند، مگر با عجله از روی اشتیاق و عشق پیامبر به قرائت آیات چه اتفاق ناگواری می افتاده است!!؟ بله اگر خوف فراموشی می بود به منظور اطمینان بخشیدن و ایجاد آرامش جای نهی داشت.

۵. نهی پیامبر از عجله در درخواست نزول قرآن، پیش از نزول آن توسط جبرئیل.

دیدگاه دیگر از سُدی (۱۲۸۵ق) مفسر تابعی و سید مرتضی (۴۳۶دق) است. سُدی گفته است در آیه یادشده، پیامبر از عجله در درخواست وحی پیش از نزول آن توسط جبرئیل نهی شده است. (تیمی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۸۳) سید مرتضی (۴۳۶دق) از مفسران شیعه نیز با بیان اینکه این دیدگاه به ذهنش خطور کرده، مقصود از عدم عجله به قرآن را، نهی پیامبر از درخواست قرآن، قبل از انزال وحی از سوی خدا دانسته است (علم الهدی، ۱۴۳۱، ج ۳، ص ۹۰ - ۹۱) پس

از وی ماوردی (د ۴۵۰ ق) نیز این دیدگاه را مطرح کرده و شیخ طوسی (د ۴۶۰ ق) و طبرسی (د ۵۴۸ ق) نیز به این دیدگاه گرایش یافتند (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۲۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۵۲) از مفسران معاصر ثقفی تهرانی (د ۱۴۰۶ ق) این دیدگاه را ترجیح داده است (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۵۲۸) و از مفسران اهل سنت ابن عاشور به این دیدگاه متمایل شده است (نک: ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۱۸۹). در واقع خداوند از پیامبرش می خواهد که نزول وحی را به حکمت و مصلحت الهی واگذارد و خود درخواست نزول وحی نداشته باشد.

نقد روایت سبب نزول آیه از ضحاک

از ضحاک بن مزاحم (د ۱۰۵ ق) از مفسران تابعی روایتی در سبب نزول آیه شریفه نقل شده که همسو با دیدگاه پنجم به نظر می رسد. در این روایت آمده است که اهل مکه و اسقف مسیحیان نجران سؤالی را از پیامبر پرسیدند و سه روز به پیامبر مهلت دادند تا به آنها پاسخ دهد، و چون نزول وحی از آن سه روز تأخیر افتاد، این خبر در همه جا منتشر شد که یهودیان، پیامبر را مغلوب ساختند. به دنبال این ماجرا آیه ۱۱۴ طه نازل شد و از پیامبر خواست که قبل از آنکه از جانب خدا به نزول وحی از لوح محفوظ بر اسرافیل و از او بر جبرئیل و از جانب جبرئیل بر تو حکم شود عجله به نازل شدن قرآن نکن و از خداوند بخواه علم تو را زیاد کند. (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۱۰۴)

البته این روایت علاوه بر اینکه با سیاق آیات سوره طه هیچگونه سازگاری ندارد، متن آن نیز مخدوش است؛ زیرا اولاً روایت به صورت مبهم خبر می دهد که اهل مکه و اسقف نجران مطلبی را از رسول خدا پرسیدند، و به موضوع سؤال اشاره نمی کند که چه مطلبی و در باره چه موضوعی از آن حضرت سؤال پرسیدند، ثانیاً در ادامه می گوید که چون وحیی در پاسخ سؤال آنان نازل نشد، خبر غلبه یهود بر پیامبر در همه جا منتشر شد، این در حالی است که اساساً ماجرای یادشده ارتباطی با یهود ندارد و سؤال کنندگان از پیامبر نیز اهل مکه و اسقف نجران اند که مسیحی بودند.

ارزیابی دیدگاه پنجم: نهی از عجله در درخواست نزول قرآن

پنجمین دیدگاه در تفسیر آیه شریفه که سید مرتضی آن را مطرح کرده و در روایت سُدی نیز به آن اشاره شده، نهی از عجله در درخواست قرآن، پیش از آن که حکمت خداوند به نزول آن تعلق گیرد، است. سید مرتضی در تبیین این دیدگاه می نویسد:

«اما دیدگاه سوم، افزون بر دو دیدگاه نخست این است که ممتنع نیست که بگوییم خداوند در این آیه از پیامبر می خواهد عجله نکرده و بخشی از قرآن را که هنوز به او وحی نشده از خداوند درخواست نکند؛ زیرا که خداوند هرگاه به نزول بخشی از قرآن مصلحت بداند، به نزول آن امر می کند و آن را از تو دریغ نمی کند، چه اینکه خداوند دریغ نمی کند که بندگان را نسبت به مصالحشان آگاه کند.» (سید مرتضی، ۱۴۳۱، ج ۳، ص: ۹۱ - ۹۲)

سیدمرتضی، خود بر این دیدگاه اشکالی مطرح کرده و به آن پاسخ می دهد: «ممکن است کسی اشکال کند که این برداشت با ظاهر آیه مخالف است، زیرا آیه می گوید نسبت به قرآن عجله نکن، و نمی گوید نسبت به درخواست نزول قرآن عجله نکن، بنابر این نهی از عجله در آیه به خود قرآن تعلق گرفته نه به درخواست قرآن؛ پاسخ آن است که در دو برداشت نخست و مشهور از آیه شریفه نیز همین اشکال ناسازگاری با ظاهر آیه وارد بوده و در آنها نیز کلمه ای در تقدیر گرفته شده است. در برداشت نخست قرائت و تلاوت قرآن برای به خاطر سپردن و عدم فراموشی و در برداشت دوم تلاوت قرآن برای امت. بنابر این در هر سه تفسیر تقدیر گرفتن ضرورت دارد.» (سید مرتضی، ۱۴۳۱، ج ۳، ص ۹۱ - ۹۲)

از میان دیدگاه‌های بیان شده در تفسیر آیه شریفه، دیدگاه سید مرتضی قابل دفاع‌تر و هماهنگ با سیاق سوره طه و غرض این سوره به نظر می‌رسد، با این حال چندملاحظه نسبت به این دیدگاه وجود دارد: اولاً مطابق این دیدگاه پیامبر از درخواست نزول قرآن، پیش از آن که حکمت خداوند به نزول آن تعلق گیرد نهی شده است، در حالی که آیه شریفه از عجله در نزول قرآن قبل از اتمام و انقضای وحی نهی کرده، و سخنی از حکمت در نزول قرآن به میان نیاورده است، ثانیاً اشکال کلی و مجمل بودن آن همچنان باقی است. ایشان توضیح نداده است که آیا عجله رسول خدا(ص) برای درخواست نزول قرآن ناظر به مسأله و موضوع خاصی بوده و یا پیامبر از مطلق درخواست نزول قرآن منع شده است. طبیعتاً باید رسول خدا(ص) راجع به موضوع خاصی با عجله درخواست نزول قرآنی کرده باشد، زیرا معنا ندارد که خداوند ابتداء بدون آن که رسول خدا(ص) در یک قضیه خارجی درخواستی برای نزول قرآن کرده باشد، او را از عجله در درخواست قرآن نهی کند. بنابر این تعیین موضوع نزول قرآنی که پیامبر به عجله از خداوند درخواست کرده در فهم آیه شریفه نقش اساسی دارد. تدبر در سوره طه چنین می‌نماید که آیات این سوره شریف از سیاقی پیوسته و واحد برخوردار بوده و تمامی سوره طه به منظور محقق ساختن آن غرض واحد به یک‌باره بر پیامبر نازل شده است. برای این منظور بررسی غرض سوره طه و تبیین پیوستگی سیاق این سوره ضروری است.

غرض سوره طه و پیوستگی آیات آن

درباره غرض سوره طه اظهار نظرهای مختلفی شده است. بیشتر آنها غرض این سوره را بیان مسئله توحید و وحی و قرآن و انداز نسبت به معاد یا عالم آخرت دانسته‌اند. (نک: قطب، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۳۲۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۱۱۹؛ حوی، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۳۳۳۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۵۳؛ فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۸۷؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۳۶۶). اما تأمل در آیات سوره طه نشان می‌دهد که اصلی‌ترین غرض سوره طه، در کنار هدایت پیامبر به شیوه رفتار با مشرکان و مواجهه با آزارهای آنان، پاسخ به نگرانی‌های پیامبر نسبت به آینده امت و برنامه‌های آن حضرت برای تربیت خلیفه و حاکم جامعه اسلامی، پس از خود و آرامش بخشیدن به آن حضرت بوده است. (نک: طیب حسینی، ۱۳۹۵، معرفت سیاسی، ش ۱۵، ص ۴۶) شاهد این برداشت، تکرار کلیدواژه فرمانروایی و حکومت بر بخشهای مختلف سوره است. آیه «مَا أُنزِلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِيَشْقَىٰ إِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ» (طه: ۲) حکایت از پیشامد امر مهمی برای پیامبر دارد که آن حضرت را بی‌اندازه به مشقت انداخته بود؛ در چنین حال و هوایی سوره طه بر قلب پاکش نازل شد تا او را تسلائی خاطر داده و از آن رنج و مشقتی که آزارش می‌داد باز دارد. در آیه ۵ سوره «الرَّحْمَانُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» استوای بر عرش کنایه از فرمانروایی خداوند با عالم است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۸۶)، طرح این موضوع در آغاز سوره، درآمدی است بر بخشهای بعدی این سوره تا اعلام کند خلافت در جامعه اسلامی پس از پیامبر به هر سمتی دلخواه یا غیردلخواه پیامبر پیش رود، همه چیز تحت فرمانروایی خدای رحمان است و امری بر خلاف خواست خدا انجام نخواهد شد. در آیه ۲۹ سوره، قصه موسی هنگام مبعوث شدن به رسالت آمده که موسی(ع) در همان آغاز رسالتش از خداوند درخواست وزیری از خاندانش و مشخصاً برادرش هارون می‌کند: «وَاجْعَلْ لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي هَارُونَ أَخِي أَشَدُّ بِهِ أَزْرِي». در ادامه سوره پس از هجرت موسی(ع) و بنی اسرائیل از مصر و نجات از سلطه و آزار فرعون، موسی(ع) به میقات الهی رفته، هارون به عنوان خلیفه موسی(ع)، در غیاب وی از بنی اسرائیلی که توسط سامری گمراه و گوساله‌پرست شده‌اند می‌خواهد که فرمانبردار وی باشند: «وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَاطِيعُوا أَمْرِي» (۹۰) و در آیه ۹۴ هارون در پاسخ به مؤاخذه موسی(ع) که چرا جلو انحراف بنی اسرائیل و

گوساله پرستی آنان را نگرفته است، از ترس خود نسبت به ایجاد تفرقه میان امت سخن گفته است: «قَالَ يَابْنَؤُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي». سپس در آیه ۱۱۴ باز خداوند را فرمانروای حق و آشکار و برتر از هر چیز و هر شخص معرفی کرده است: «فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ». در ادامه آیات، قصه آدم و شیطان آمده و در این قصه علی رغم هشدار خداوند به آدم مبنی بر اینکه شیطان دشمن او و همسرش است، شیطان آدم را با وعده حکومت و فرمانروایی ای که هرگز کهنه و ضعیف نمی شود، فریب می دهد: «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَا يَبْئَلُ». کلیدواژه ای که خداوند در این قصه برای فریب آدم (ع) انتخاب کرده - برخلاف قصه آدم در سایر سوره ها - فرمانروایی کهنه ناپذیر (مُلْكٍ لَا يَبْئَلُ) است. این کلیدواژه به طور روشن این بخش از سوره را از نظر سیاقی در ارتباط با بخشهای قبل، یعنی فرمانروایی برتر و مسلط خداوند بر عالم هستی، درخواست وزرات موسی (ع) برای هارون و تلاش هارون برای وحدت بنی اسرائیل و عدم ایجاد تفرقه میان آنان، قرار می دهد. در آیات پایانی سوره گرچه مستقیماً واژه ای دال بر حکومت و فرمانروایی به کار نرفته، اما در روایات تفسیری اهل بیت (ع)، برخی دیگر از آیات سوره در ارتباط با خلفای پیامبر (آیات ۱۲۴ - ۱۲۷) یا اهل بیت پیامبر (آیات: ۱۳۲، ۱۳۵، ۵۴، ۸۲، ۹۴، ۱۰۸ - ۱۱۲ و ۱۱۵) تفسیر شده است (نک: طیب حسینی، ۱۳۹۵، پیامبران دیشناک خلافت، ص ۱۵۲ - ۱۸۶). با توجه به این کلیدواژه ها، غرض اصلی سوره طه به مسأله جانشینی پیامبر و حاکمیت سیاسی بر مسلمانان بعد از پیامبر و تعیین وزیر و خلیفه ایشان ارتباط پیدا می کند. (نک: طیب حسینی، ۱۳۹۵، معرفت سیاسی، ش ۱۵، ص ۵۳ - ۵۵؛ همو، ۱۳۹۵، پیامبران دیشناک خلافت، ص ۱۴۵ و ۱۴۶)

بنابراین اگر بپذیریم غرض اصلی سوره طه رفع نگرانی رسول خدا (ص) نسبت به طرح و برنامه هایش نسبت به آینده دین و مسأله خلافت و خلیفه ای که از هم اکنون (سال نزول سوره طه در مکه) تربیت می کند است، آیه ۱۱۴ سوره نیز باید در همین سیاق و هماهنگی با این غرض معنا شود.

بنابر این، نکته اساسی که در دیدگاه سیدمرتضی مغفول مانده این است که موضوع قرآنی که رسول خدا (ص) به عجله نزول آن را از خداوند درخواست کرده مشخص نشده است. در آیه ۱۱۴ خداوند پیامبر را از عجله در درخواست نزول قرآن، پیش از آنکه مصلحت الهی نزول آن را ایجاب کند نهی کرده است، اما در دیدگاه سید بیان نشده که راجع به چه موضوعی درخواست نزول قرآن نکند. به عبارت دیگر موضوع قرآن مورد درخواست مطلق در نظر گرفته شده است و در نتیجه پیامبر در هیچ موضوعی نباید درخواست نزول قرآن پیش از موعد از خداوند داشته باشد. اما تبیین صورت گرفته از غرض اصلی سوره و توجه به سیاق مرتبط با بخشهای مختلف سوره چنین به ذهن القا می کند که موضوع قرآن مورد درخواست پیامبر، که آن حضرت به عجله، نزول آن را از خداوند درخواست کرده، اما خداوند در بخشی از آیه ۱۱۴ ایشان را از عجله نسبت به آن بازداشته است در ارتباط با مسأله خلافت و جانشینی پیامبر بوده است. به همین دلیل هم در صدر سوره (آیه ۵) و هم در سایر بخشهای سوره و هم در صدر همین آیه ۱۱۴ خداوند از برتری و فرمانروایی خود بر عالم هستی یاد کرده است: «فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»، تا اشاره باشد به اینکه اگر کسانی در امت پیدا شوند که به ناحق منصب خلافت و جانشینی پیامبر را از آن خود کنند، آنان هرگز از سلطه و فرمانروایی خدای تعالی خارج نخواهند شد، و خداوند خود حافظ و نگهدار دینش می باشد.

۲. نتیجه

با بررسی و ارزیابی دیدگاههای مفسران در تفسیر آیه شریفه «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ» به دست آمد که در باره این آیه شریفه مجموعاً پنج دیدگاه تفسیری مطرح شده است. از میان این پنج دیدگاه دو دیدگاه از شهرت زیادتری میان مفسران برخوردار است که هر دو نیز از ابن عباس و گروهی از تابعان نقل شده است. دیدگاه نخست مقصود آیه را این می‌داند که پیامبر از عجله در تلاوت قرآن برای اصحاب خود و امر به کتابت آن، پیش از نزول بیان آنها نهی شده است، و دیدگاه دیگر آن بود که آیه شریفه پیامبر را از تعجیل در قرائت قرآن پیش از فراغت جبرئیل از وحی نهی کرده است. تأمل در دیدگاههای تفسیری مفسران از آیه شریفه همراه با تأمل در سیاق آیه و سوره طه به این نتیجه منتهی شد که چهار دیدگاه نخست در تفسیر این آیه شریفه از جمله دیدگاه مشهور و مقبول میان مفسران متأخر و معاصر با چالش جدی مواجه است و برترین دیدگاه در تفسیر آیه شریفه که هم سازگار با سیاق آیه است و هم همسو با سیاق سوره و غرض اصلی سوره طه، دیدگاه سید مرتضی است که می‌گوید آیه شریفه رسول خدا(ص) را از عجله در درخواست نزول قرآن پیش از آنکه مصلحت الهی به نزول آن ایجاب کند خودداری کند. همچنین با در نظر گرفتن غرض اصلی سوره طه که در ارتباط با خلافت و جانشینی رسول خدا(ص) بوده است چنین به نظر می‌رسد که رسول خدا(ص) پیش از نزول سوره طه درخواست نزول قرآنی در این باره کرده است و خدای تعالی با نزول سوره طه در این باره، همین موضوع خلافت و جانشینی و دلداری دادن به پیامبر را مطرح و از آن حضرت می‌خواهد عجله‌ای در درخواست نزول قرآن نداشته باشد.

۳. منابع

۱. آلوسی، سید محمود؛ *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، *تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)*، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۴. ابن عاشور، بی‌تا، *التحریر والتنویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۵. ابن عطیه؛ عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق
۶. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *تفسیر غریب القرآن (ابن قتیبه)*، دار و مکتبه الهلال، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۹. تیمی، یحیی بن سلام؛ *تفسیر یحیی بن سلام التیمی البصری القیروانی*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۵ق
۱۰. ثعلبی، احمد بن محمد؛ *الکشف والبیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق
۱۱. ثقفی تهرانی، محمد؛ *روان جاوید در تفسیر قرآن*، تهران، برهان، ۱۳۹۸ق
۱۲. حوی، سعید، *الاساس فی التفسیر*، دار السلام، قاهره، ۱۴۲۴ق.
۱۳. دروزه، محمد عزه؛ *التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول*، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۲۱ق

۱۴. دینوری، عبدالله بن محمد؛ الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق
۱۵. زرکشی، محمد بن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، دار المعرفة، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۱۶. زمخشری، محمود بن عمر؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق
۱۷. سمرقندی، نصر بن محمد؛ تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ق
۱۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الإیقان فی علوم القرآن، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۱ق
۱۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق
۲۰. شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد؛ تفسیر اثنا عشری، تهران، میقات، ۱۳۶۲ش
۲۱. شبر، عبدالله؛ الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، کویت، شرکتة مكتبة الألفین، ۱۴۰۷ق
۲۲. شوکانی، محمد؛ فتح القدير، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۱۴ق
۲۳. صادقی تهرانی، محمد؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ق
۲۴. صادقی تهرانی، محمد، ترجمان فرقان، قم، شکرانه، ۱۳۸۸ش
۲۵. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق، دار المعرفة، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۲۶. طباطبائی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق
۲۷. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، دار الكتاب الثقافی، اردن، ۲۰۰۸م.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، قم، ۱۴۱۲ق.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش
۳۰. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق
۳۱. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا
۳۲. طیب حسینی، ۱۳۹۵، "حاکمیت سیاسی جامعه اسلامی و ویژگی های آن در سوره های مکی قرآن بررسی سوره طه"، مجله معرفت سیاسی، سال هفتم، شماره ۱۵، ۱۳۹۵
۳۳. طیب حسینی، سید محمود، پیامبر اندیشناک خلافت، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵
۳۴. علم الهدی، علی بن الحسین؛ تفسیر الشریف المرتضی (نفائس التأویل) بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۳۱ق
۳۵. فخر رازی، محمد بن عمر؛ التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق
۳۶. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن (فراء)، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره، ۱۹۸۰ م
۳۷. فضل الله، محمد حسین؛ من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹ق
۳۸. قاسمی، جمال الدین؛ تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق
۳۹. قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۷۷ش، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت.
۴۰. قرطبی، محمد بن احمد؛ الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش
۴۱. قطب، سید؛ فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشرق، ۱۴۲۵ق
۴۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، دار الكتاب، قم، ۱۳۶۳ش.

۴۳. کاشانی، ملافتح الله؛ زبدة التفاسیر، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۲۳ق
۴۴. کاشانی، ملافتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی، ۱۳۶۶ش
۴۵. ماتریدی، محمدبن محمد؛ تأویلات اهل السنة (تفسیر الماتریدی)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۶ق
۴۶. ماوردی، علی بن محمد؛ النکت والعیون تفسیر الماوردی، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا
۴۷. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۶۰ش
۴۸. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم، ۱۳۸۸ق.
۴۹. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۳ق.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۱ش.
۵۱. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، إيجاز البیان عن معانی القرآن، دار الغرب الإسلامی، بیروت، ۱۴۱۵ق.

